

# فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

سال دوم، زمستان ۱۴۰۱

شماره هفتم

- واکاوی فقهی قصاص انواع کافر (سید محمد حسینی دره صوفی)
- بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد (داود عطایی)
- مجازات شروع به جرم از منظر قوانین موضوعه ایران و افغانستان (قربانعلی مبلغ)
- عدالت اجتماعی در اندیشه شهید مطهری (سبحان دانش)
- تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت شرط فعل در قراردادهای الکترونیکی (سید حسن مبارز)
- جهل و عواقب آن در قرآن (ابراهیم افتخاری)
- مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش (سید رضی قادری)

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر  
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی  
ویراستار: سید محمد نقوی  
گرافیسیت: سید محمود محسنی  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)  
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶  
سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)  
ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)  
دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲، واحد سوم

## راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. عناوین اصلی و فرعی شماره بندی چند سطحی شود و هیچ عنوان بدون شماره نباشد.
۸. معادل انگلیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۹. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۱۰. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب). مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۱. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمون نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۲. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.
۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

## اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم، سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۴. محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۵. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۶. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.



سال دوم، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۷

## مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش

سید رضی قادری<sup>۱</sup>

### چکیده

علوم و معارف اسلامی از آغاز پیدایش و تاسیس آن به رشته‌ها و علوم مختلف از جمله عقاید، اخلاق، فقه، تفسیر، تاریخ، و... تقسیم گردید و بر اساس همین تقسیم، هر بخشی از موضوعات و مسائل مورد نیاز در یکی از علوم مورد بحث و پژوهش قرار گرفت و به موضوعات و مباحث آن علم معروف گردید و دیگر علوم از ورود و تحقیق در آن مسائل و موضوعات منع شدند. از جمله این علوم اسلامی می‌توان به دو علم فقه و اخلاق اشاره کرد که از همان آغازین انشعاب علوم اسلامی در میان مسلمانان پدید آمد و هر یک از این دو علم، مسائل و موضوعات خاصی را به خود اختصاص دادند. لکن آنچه قبل از ورود در هر علم و مسائل آن لازم می‌باشد شناخت مبانی و منابع و نیز روشهایی است که یک علم از آن بهره گرفته و به دست یابی و تحلیل مسائل و موضوعات خود پرداخته است. بر همین اساس این پژوهش به بررسی مقایسه‌ای این دو مؤلفه مهم منابع، روش، - در دو دانش فقه و اخلاق پرداخته و نقاط قوت و ضعف آنها را نمایان کرده است.

**کلید واژه‌ها:** اخلاق، فقه، منابع، روش، مقایسه

## ۱. مقدمه

تاریخ جوامع مختلف بشری و به ویژه گذشته عبرت آموز جامعه و امت اسلامی شاهدان صدق این حقیقت هستند که میان اهتمام شایسته علمی و عملی به احکام شرعی و آموزه‌های اخلاقی و عزتمندی و تعالی جامعه از سویی و میان بی‌اعتنایی به احکام شرعی و مباحث اخلاقی و انحطاط افراد و جامعه از سوی دیگر ارتباط مستقیم برقرار است. آنچه نجات‌بخش و سعادت آموز جوامع و افراد امت اسلامی در هر زمانی خواهد بود دانش‌ها و معارف و حیانی اسلامی است که عالمان می‌توانند با شناخت و ارائه آن رهنمون همگانی باشند. فقه عملیات علمی استنباط احکام از دلیل شرعی است (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲) که در ابتدا بر فهم عمیق همه مسائل و معارف دین اطلاق می‌گردد لکن به تدریج و با گسترش علوم و موضوعات انبوه و مختلف و با تدوین علوم اسلامی، دامنه آن محدود شد و به فهم و استنباط احکام در حیطه فروع عملی منحصر گردید. (حکیم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۱) اخلاق، علم تهذیب نفس است که اعمال و سلوک انسان را از جهت نقش آن در تهذیب یا آلودگی نفس بررسی می‌کند. (نراقی، ۱۴۱۱، ص ۲۲) با بررسی و تتبع در میراث علمی و مکتوب جامعه اسلامی در طول تاریخ آشکار می‌شود که در میان علوم و معارف اسلامی، اقبال عمومی با علم فقه، اخلاق و کلام بیشتر بوده است هر چند در میان این سه دانش گرانبها، سهم فقه بیشتر از دو علم دیگر نمود داشته است. بی‌تردید مبانی و منابع هر علم و نیز روش‌های که آن علم در دستیابی به احکام و مسائل آن استوار است از مهم‌ترین مولفه‌های هر علمی است که شناسایی و تحلیل آن قابل توجه و بسیار راهگشا است.

## ۲. فقه و اخلاق از منظر منابع

منابع هر علم از مباحث اصیل هر رشته علمی است که از طریق آنها محتوا و احکام آن علم تامین می‌شود. منبع را در لغت به معنای سرچشمه و منشأ یک چشمه معنا کرده‌اند. در اصطلاح هم از همان معنای لغوی اشراب شده است بدین معنا که هر آنچه از احکام و مسائل در علوم از آن استنباط می‌شود به منابع علوم یاد شده است. (عابدی شاهرودی، ۱۳۹۱،

## مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش \* ۱۳۳

### ۱-۲. منابع علم فقه

با بررسی مباحث فقهی مبرهن می شود که فقها در استنباطها و بررسی های فقهی، قائل به دو گروه منابع هستند که لازم است تفکیک شود.

### ۱-۱-۲. منابع اولیه

مصادری است که محتوای فقه و احکام و مطالب فقهی اولاً از آنها تامین می شود. لذا باید بگوئیم این منابع در مباحث فقهی به عنوان ادله فقهی و حجت شرعی بر محتویات و احکام فقهی نام می گیرد. (صدر، ۱۳۹۵، ق، ص ۹۷)

### ۱-۱-۲. قرآن کریم

مشهور فقهای شیعه (به استثنای برخی از اخباریین) منابع فقهی را منحصر در قرآن، سنت، اجماع و عقل دانسته اند. نخستین، مستندترین، جامع ترین و قوی ترین منبع فقهی همین قرآن کریم است. قرآن کریم بدلیل انتساب قطعی به خداوند و صدور از منبع علم کامل و خطاناپذیر الهی، ثقل اکبر و اولین منبع تمام معارف دینی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۵)

عترت پیامبر (ص) گرچه در نشئه باطن و نیز در مقامات معنوی برابر با قرآن هستند و کمتر از آن نخواهد بود اما در نشئه ظاهر و در موارد تعلیم و تعلم معارف دینی آنکه ثقل اکبر است قرآن است و آن بزرگواران ثقل اصغرند. (همان، ص ۷۶)

قرآن کریم وحی مکتوب الهی است که نظیر ندارد و از هرگونه تحریف به زیاده، و نقصان مصون است و انتساب تمامی مفردات و مرکبات آیات و سوره های آن به خداوند تردیدناپذیر است. (معرفت، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۴۴)

لازم به ذکر است قرآن کریم با همه عظمت و قطعیت و صلابتی که دارد لکن دلالتهای قرآنی همیشه قطعی نیست. یعنی احکام و معارف و حیانی قرآن گاهی در قالب نص و صریح بیان شده اند و گاهی به صورت ظهور و دلالتهای ظنی که البته هر دو از اعتبار برخوردار می باشد (مظفر، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۹۷) هرچند اعتبار دلالتهای صریح، تام و بدون تاویل بوده و

هیچ احتمال خلافی را بر نمی‌تابد لکن دلالت‌های ظنی و ظاهری قرآن امکان دارد در ظهور آن احتمالات دیگری مستند به ادله مطرح کرد.

بنابراین باید بگوئیم از آنجایی که در آیات و کلمات قرآن هیچ خطا و تحریفی راه نیافته است و کاشف اصلی از اراده تشریحیه الهی است مصدر اول فقهی بوده است. (خویی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸-۱۱)

هرچند باید در دلالتها و فهم احکام و نص آن سعی وافر نمود. از آنجایی که روایات جعلی و دست تحریف و دسیسه‌های و ضاعین در ساحت روایات راه یافته است بر همین اساس است که فقهای شیعه از قدماء تاکنون معتقد شده‌اند یکی از مهمترین معیارهای حجت و اعتبار روایات، سنجه آن با آیات قرآن است.

#### ۲-۱-۲. سنت

پیامبر اکرم (ص) و جانشینان آن حضرت که حجج الهی بر مردمان هستند به نص قرآن کریم (احزاب ۳۳)

دارای مقام عصمت و طهارت بوده و از هرگونه خطا و نسیان بدور می‌باشند. اینان حاملان وحی الهی، معلمان قرآن کریم، مبینان احکام و شرایع الهی به صورت جزئی و تفصیلی هستند.

بر همین معیار است که علمای امامیه همان طور که فعل، قول و تقریر پیامبر اکرم (ص) را حجت می‌دانند به همان میزان جانشینان معصوم پیامبر اکرم (ص) را نیز حجت دانسته و اساساً سنت را بر همین معیار تبیین و تعریف کرده‌اند. (بهائی عاملی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹)

تردید نیست که قرآن کریم منبع اولی و کاشف اصلی اراده تشریحی الهی است (مظفر ۱۳۷۴، ص ۱۰)

لکن فهم همه آیات آن به سهولت امکان پذیر نبوده و بسیاری از فروع و احکام شرعی نیز در قرآن کریم نیامده است بنابراین باید در فهم برخی آیات و نیز دسترسی به فروع و احکام به دومین منبع صحیح دینی که همان سنت معصومین است مراجعه شود.



## مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش \*۱۳۵

۲-۱-۳. عقل

عقل بزرگترین موهبت الهی بر انسانها و سرمایه وجودی هر انسانی است. انسان بواسطه این سرمایه است که به فهم و درک و شناخت واقعیات و حقایق عالم دست پیدا می کند. (لاهیجی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۰)

اساساً تمامی آموزه های پیامبران و کتب آسمانی برای هدایت انسانی آمده است بدین منظور که او را موجودی عاقل دانسته اند. (صدر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۹۱)

هرچند در مباحث فقهی و اصولی بر همگان قطعی می نماید که عقل نیز یکی از ادله و منابع فقهی می باشد و حتی برخی از فقهای امامیه تصریح کرده اند دلیل عقلی، مستقلاً در کنار آیات الهی و سنت معصومین مطرح است. (مفید، ۱۴۱۰، ص ۱۲) لکن برخی از محققان معاصر شبهه کرده اند که ادراکات عقل به طور مطلق در حوزه استنباط دارای اعتبار نیست و نمی توان برای عقل، استقلالی در استنباطهای احکام برشمرد و نیز نمی توان به آن حجیت تام داد. (جناتی ۱۳۷۳، ص ۲۴۱) برخی دیگر نیز گفته اند عقل یک ابزاری در خدمت دیگر منابع و ادله است و نباید آن را در عرض سایر ادله و منابع مدنظر قرار داد. (علیدوست، ۱۳۸۱، ص ۱۶۱) لکن همان طور که برخی از عالمان دینی گفته اند عقل همان طور که ابزاری در استنباط احکام شرعی است بلکه منبعی مستقل در عرض سایر منابع خواهد بود. (مظفر، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹۶)

از آنجایی که عقل رسول باطنی و سرمایه خدادادی در فهم و درک مسائل است و اگر عقل حجت نباشد هیچ مقوله دینی و دنیوی قابل اثبات نیست، (حلی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۹) بنابراین اگر در جایی دست فقیه از ادله نقلی (آیات و روایات) کوتاه ماند آنگاه نوبت به دلیل عقل می رسد و بدون تردید عقل در اینجا راهگشاست و درک عقلی همان حجت شرعی خواهد بود.

از آنجایی که در مباحث فقهی برای دلیل عقل حجت قائلند لذا احکامی که مبتنی بر دلیل عقلی باشد از آن به عنوان مستقلات عقلیه یاد می شود. یعنی احکام شرعی که در یک روش قیاسی منطقی از دو مقدمه عقلی تشکیل شده باشد ولی اگر یک مقدمه آن عقلی باشد آن را غیر مستقلات عقلیه می نامند و اگر هر دو مقدمه آن غیر عقلی باشد آن را دلیل شرعی می نامند. (سبحانی ۱۴۱۸، ص ۴۳)

## ۲-۱-۱-۴. اجماع

هرچند بین علمای شیعه و اهل سنت در برخی منابع فقهی اشتراکاتی وجود دارد و نیز فریقین برای اجماع حجیت قائلند و اما باید گفت علمای اهل سنت برای اجماع حجیت ذاتی و استقلالی قائلند (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۷۰) لکن فقها و اصولیین شیعه اجماع را از باب طریقت حجت می دانند. یعنی اجماعی که کاشف قطعی و حاکی از قول معصوم باشد. (انصاری، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۴۱) بنابراین اهل سنت اجماع را قسیم سنت دانسته ولی فقهای شیعه آن را قسمی از سنت می دانند. البته فقها و اصولی شیعه شیوه های متعددی را برای این کاشفیت اجماع از سنت مطرح کرده اند که مهمترین صور آن سه تا می باشد: دخولی، لطفی، حدسی (همان ص ۳۶۵-۳۴۲) که هر کدام استدلالهای مربوط به خودش را ارائه می کند تا این کاشفیت از سنت را به اثبات برساند. بنابراین منبع بودن اجماع به عنوان یک دلیل مستقل در بین فقهای شیعه پذیرفته شده نیست لذا به همان منبع سنت ارجاع می شود.

## ۲-۱-۲. منابع ثانویه

مصادری که تحت عنوان کتب فقها و اقوال و آراء و نیز شیوه های استدلال آنها در مباحث فقهی مورد توجه قرار می گیرد. این مصادر هرچند بالذات دارای ارزش تام و حجیت شرعی برخوردار نیستند لکن از آن جهت که آخرین تحلیلهای و استدلالهای صاحب نظران عرصه فقهی را مطرح می کند یقیناً ارزش مند و پرفایده خواهد بود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲، ص ۱۷) آنچه در منابع فقه مورد توجه اولیه است همان منابع اولیه و مصادر اصلی است که از آن به عنوان حجت شرعی یاد می شود. البته ممکن است گفته شود همین تقسیم بندی منابع اولیه و ثانویه در علم اخلاق نیز مطرح شود که بعید نمی نماید.

## ۲-۲. منابع علم اخلاق

همان طور که در منابع فقهی نیز اشاره کرده ایم در منابع اخلاقی نیز دو گونه منابع قابل تصویر است و مقصود ما از منابع همان مصادر اولیه و اصیلی است که دارای حجت ذاتی در احکام و محتویات مسائل اخلاقی باشد، نه کتب و میراث مکتوب عالمان اخلاق نگار. در ضمن باید توجه داشت که این تعدد منابع و ترتیب آنها براساس تقدم زمانی نیست هرچند

## مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش \*۱۳۷

ممکن است ترتیب و تقدم رتبی معیار باشد هم در منابع فقه و هم در منابع اخلاقی (صرامی، ۱۳۹۱ ص ۳۸).

در منابع اخلاقی از چهار منبع به عنوان مصادر اولیه یاد می شود:

### ۲-۲-۱. قرآن

بدون تردید تمامی معارف دینی سعی دارند احکام و محتویات خود را منتسب به منبعی خطاناپذیر و سرشار از علم و حکمت کنند که قرآن کریم نام دارد. این کتاب آسمانی، آخرین کتاب وحی الهی است که تمامی کتب و آسمانی و تعلیمات انبیای گذشته را نسخ کرده است. این معجزه جاوید پیامبر اکرم (ص) جامع و کامل بوده، و هیچ نقص و خطایی در آن راه ندارد.

قرآن کریم چنانکه خود فرموده کتاب هدایت است (مانده، ۱۵) لذا یکی از مهمترین جنبه های هدایتی آن دستگیری اخلاقی است که از طریق تبیین فضائل، و رداییل و تفصیل بایدها و نبایدهای اخلاقی رهنمون شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰) این کتاب آسمانی چنان به اخلاق اهمیت می دهد که آن را جزء اهداف انبیاء می شمرد و زندگی انسانها را در سایه اخلاق، زندگی سعادتمندانه و غیر از آن خاسر و سرماییه باخته می داند.

قرآن کریم در بیان مباحث اخلاقی و نیز هدایت انسانی به دو شیوه علمی و عملی به تبیین آنها پرداخته است. شیوه های علمی آن را می توان در توضیح هستها و بایدها و نبایدها مشاهده کرد و شیوه های عملی آن را باید در بیان قصهها و تمثیلها و مانند آن توجه کرد. (جوادی آملی ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۳)

### ۲-۲-۲. سنت

از آنجایی که پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت مکرم آن حضرت دارای مقام عصمت و طهارت بوده اند (سوره احزاب، آیه ۳۳) لذا هرگونه تفسیر آنان از قرآن و نیز هر حدیث و روایتی از آنان از سرچشمه زلال عصمت برخوردار است. همان طور که در منابع فقهی گفته شده سنت عبارت از قول، فعل و تقریر معصومین، در منابع اخلاقی نیز به همان میزان مطرح می شود (مغنیه، بی تا ص ۸۷). خداوند در قرآن کریم با تاکید بر برخی از آیات مانند «لقد کان لکم فی

رسول الله اسوه حسنه» بر حجت تمامی گفتار و سیره پیامبر (ص) صححه گذاشته است. اسوه کامل بودن تنها از انسانی تجسم می یابد که دارای مقام عصمت باشد. بدین معیار اهل بیت آن حضرت نیز اسوه کامل اخلاق اسلامی و مقتدای عالی برای تمامی انسانها می باشند.

#### ۲-۲-۳. عقل

یکی از بزرگترین نعمات الهی بر بشر همین عقل است که رسول باطنی است. بر همین اساس است که برخی از حکمای اسلامی فصل ممیز انسان با دیگر موجودات را عقل دانسته اند. (حلی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴) عالمان اخلاق مدار نیز عقل را براساس ادراکاتش به عقل نظری و عقل عملی تقسیم کرده اند. (مصباح یزدی، ج ۱، ص ۱۰۷) عقل نظری یعنی درک چیزهایی که وجود دارند. عقل عملی درک کننده چیزهایی است که باید انجام بشود. (همان) همان گونه که در مباحث اصولی و فقهی در ادراکات عقلی تقسیماتی قائل شدند به همان صورت نیز در مباحث عقلی مطرح شده است. لذا برخی از شناختهای عقلی مستقلاً صورت می گیرد و عقل به تنهایی برخی از احکام اخلاقی را درک می کند مثل قبح ظلم و حسن عدل، و حتی مصادیق آن را نیز تشخیص می دهد. به این گونه شناختها «مستقلات عقلیه» می گویند که در ادراک آنها صرفاً از مقدمات عقلی استفاده شده است. اما آن دسته از احکامی که از اجتماع مقدمات عقلی و غیرعقلی بدست آمده باشد غیر مستقلات عقلیه می گویند. (حلی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۷)

بنابراستی عقل در ادراک معارف اخلاقی سهم بالایی دارد. گاهی به منزله رسول باطنی همانند نصوص و متون نقلی به ادراک احکام اخلاقی و مصادیق آن می پردازد و گاهی ابرازی است در استنباط احکام و معارف اخلاقی. در هر دو صورت به عنوان حجتی الهی حضور دارد هر چند در صورت اول از حجیت ذاتی و اعتباری اصیل برخوردار است. (جوادی آملی ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۲)

#### ۲-۲-۴. شهود

در تعالیم اسلامی و معارف وحیانی، عالم را به دو ساحت غیب و شهود (یا مادی و غیرمادی) و با ظاهر و باطن) تفسیر و تقسیم کرده اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۵)

## مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش \*۱۳۹

هر آنچه آدمی آن را با حواس پنج گانه درک کند در عالم شهادت و حضور معنا پیدا می کند و غیر از آن در عالم غیب و باطن است. از آنجایی که شناخت آدمیان گاهی از راه حواس پنج گانه است که محسوسات و ادراکات جزئی است که در این عالم مادی اتفاق می افتد. گاهی شناخت از طریق عقل است که به معقولات کلی ادراکات کلی دست می یابد و گاهی از طریق دل است که ادراکات غیرحسی و غیرعقلی را شهود می کند. (همان ص ۴۵)

عالمان متخلف و نیز ارباب معرفت بر این اندیشه هستند که راه دل و ادراکات شهوای به همان میزان اعتبار دارد که ادراک عقلی برهانی و نیز نصوص دینی بر آن استوار است. بلکه ممکن است شناختی که از شهود حاصل شود مطمئن تر باشد چون به علم حضوری بار یافته است، بخاطر اینکه این ادراکات کشفی ناشی از سلوک معنوی و تهذیب نفس و دوری از همه خواستها و هواهای نفسی صورت گرفته است و چندی کشفی میسور همگان نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۴۱۵، ص ۴۱۰)

برخی از عالمان اخلاق نگار، فطرت را نیز به عقل و نقل در منابع اخلاق افزوده اند (مغنیه، بی تا، ص ۱۴)

لکن با تفسیری که ارائه می دهند مبرهن می شود که این فطرت گاهی با عقل سلیم هماهنگ است و گاهی نیز با شهود.

### ۳. نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع

با بررسی و تتبع در کتب فقهی و عالمان اخلاقی روشن می شود هر دو طایفه از عالمان اسلامی برای منابع نقلی یعنی قرآن و سنت احترام و عظمت خاصی قائلند. چون هر دو منبع خطاناپذیر و نیز از طهارت و ویژه برخوردار هستند. لکن قرآن کریم ثقل اکبر و پشتوانه حجیت روایات است و سخنان عترت طاهرین که ثقل اصغر هستند باید بر آن عرضه و ارزیابی شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۰)

بدین خاطر آنچه فقه و اخلاق اسلامی را قوام می دهد در درجه اول آیات الهی است. چون صدور آیات قرآن از جانب خداوند متعال قطعی است ولی اگر انتساب روایات از ناحیه معصومین قطعیت یابد تفاوتی با آیات نمی کند بخاطر اینکه چنین صادری نیز منسوب به خداوند می باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۳). بر همین اساس است که گفته اند

موافقت با قرآن شرط اعتبار حدیث نیست بلکه مخالفت با قرآن است که مانع حجت و اعتبار حدیث می شود. (آخوند خراسانی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۸۷)

روایت اگر صدور و انتساب آن از ناحیه عصمت قطعیت پیدا کند از حجیت ذاتی برخوردار بوده و تفاوتی با آیات نازل از جانب خداوند ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸۵).

در فقه و اخلاق برای ادراکات عقلی حجت قائل شده و در کنار متون و منابع نقلی برای آن اعتبار قرار داده اند، لذا مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه هم در فقه و در اخلاق مقبول هر دو طایفه است. البته گاهی ممکن است استدلالهای عقلی در کلمات برخی از عالمان فقه نگار بیشتر تجلی یافته باشد ولی این طور نیست که دیگر فقها برای آن اعتبار قائل نباشند. تفاوتی که در نگاه عالمان اخلاقی به استدلالهای عقلی با فقها دارد آن است که فقیهانی به مانند علامه حلی (مانند تذکره الفقهاء و قواعد الاحکام...)

در استنباطهای عقلی و استدلالهای فنی عقلی که ارائه می دهند ابتدا سعی می کنند آن حکم شرعی فقهی را با آیات قرآن کریم و نیز روایات مسلمّه و معتبره تبیین کرده سپس وارد براهین عقلی و نگاه عقلی به آن بشوند. ولی در کتب اخلاقی ممکن است چنین تکفیک و توجهی در کار نباشد مثلاً مرحوم نراقی در معراج السعاده در بحث کذب ابتدا بر استدلالهای عقلی و عقلانی مسئله تاکید کرده سپس وارد ادله نقلی مسئله شده است (نراقی ۱۴۱۱، ص ۱۱۶).

نکته دیگر آن است که اجماع یکی از منابع مطرح شده در فقه شیعه است که هر چند منبع مستقل نیست و حجیت ذاتی ندارد لکن مورد استناد مکرر فقها در احکام شرعی شده است. همین مقدار که کاشفیت از سنت معصومین را بدنبال داشته باشد یقیناً از اعتبار برخوردار است (انصاری، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۴۱) ولی در مباحث اخلاقی نه تنها مطرح نشده است بلکه برخی صراحتاً گفته اند از هیچ جایگاهی در مصادر اخلاقی برای استنباط ندارد. (مغنیه، بی تا، ص ۱۹) به همان میزان از فطرت یا شهود در منابع اخلاقی یاد شده است که در مباحث فقهی جایگاهی ندارد. از آنجایی که فقه روش خاصی دارد که این روش باید ملموس دیگر فقیهان و محققان فقهی باشد تا شیوة استنباط فقهی و افتاء فقیه برای دیگران نیز آشکار باشد راه کشف و شهود که یک طریق باطنی و درونی است که محسوس دیگران نیست پس نمی تواند به عنوان

## مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش \*۱۴۱

منبع در فقه جایگاهی داشته باشد.

لازم به تذکر است در مباحث فقهی صراحتاً منابع فقه را چهار تا مطرح کرده‌اند و از قدیم الایام این منابع مورد بحث فراوان قرار گرفته است. (مفید، ۱۴۱۰، ص ۱۲) هرچند الان برخی از موارد به عنوان منابع فقهی مطرح می‌شود مانند عرف؛ لکن همان طور که برخی از عالمان گفته‌اند عرف در تعیین مصادیق شرعی می‌تواند موثر باشد ولی نمی‌توان به عنوان مصدری اصیل در کنار عقل و نقل قرار بگیرد (سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۹۱).

در مباحث اخلاقی چندان آشکارا نیست که دریافت‌ها و ادراکات معارف اخلاقی به همان منابع مطروحه باشد و صراحتاً هیچ‌جا از آن یاد نشده است و حتی وقتی منبعی به عنوان شهود مطرح می‌شود که ملاکی برای آن ارائه نمی‌شود و دریافتهای آن را نمی‌توان بر موازین سنجه کرد. پس امکان دارد نگاههای ذوقی و دیدگاههای استحسانی در معارف اخلاقی راه یابد. مضافاً که عارفان و عالمان اخلاقی احتمال خطا را در شهودات باطنی ممکن می‌دانند و به همین دلیل قائلند مکاشفات می‌تواند ربّانی و الهام خداوندی می‌باشد و ممکن است مکاشفات شیطانی و باطل باشد. (رضائی تهرانی، ۱۳۹۰، ص ۴۸۶)

### ۳-۳. مقایسه از منظر روش

روش هر علم، مسیری است که دانشمندان آن رشته علمی طی می‌کنند تا به حلّ مجهولات آن علم نائل آیند. (احمد پور، ۱۳۹۵، ص ۱۱۱)

بنابراین مقصود از روش دانش اخلاق، شیوه کسب معرفت اخلاقی و حل مسائل آن و مراد از روش علم فقه، شیوه اثبات گزاره های فقهی و یا توجیه و مستندسازی آموزه های فقهی براساس منابع می باشد.

### ۳-۳-۱. روش فقه

یکی از سرفصلهای مهم در فلسفه علم، مبحث روش علم است (صرامی، ۱۳۹۱، ص ۴۴) که این سرفصل در مباحث و استدلالهای فقهی مهمتر جلوه می‌کند. چون هم منطق اکتشاف احکام شرعی دینی است و هم منطق سنجش آن. شیوه استنباطی که فقه برای استحصال و ترکیب ادله و وصول به یک حکم فقهی اعمال می‌کند در عین اینکه یک شیوه آشکاری است

لکن از غنا و قوت علمی برخوردار است که با زحمات فراوان حاصل می شود. شایان ذکر است که فقها در طول تاریخ همیشه متذکر این بوده اند که استنباط احکام فقهی فقط از همین مسیر تحقق پذیرد و اگر مسیر دیگری طی شود و یا روش دیگری در استنباط و استحصال احکام فقهی دنبال شود ممکن است نتیجه آن مطلوب نیفتد و فقه جدید روی کار بیاید و فقه شیعه را دگرگون کند (شیری زنجانی، ۱۳۸۲، ج ۱۴، ص ۱۷۰). لذا عالمان دینی در عین اینکه بر پویایی فقه شیعه تاکید داشته اند لکن روش فقهی را همان منطق جواهری دانسته اند که شیوه استحصال خاصی است که تاکنون دنبال شده است. (خمینی ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۹۸)

در روش فقهی باید بگوئیم احکام و مسائل فقهی گاهی ضروری و بدیهی هستند و گاهی نظری و غیر بدیهی. احکامی که بدیهی هستند نیاز به استدلال و روش استنباط ندارند بلکه برای همه کسانی که در گرو آن دین یا مذهب هستند آشکار است. مانند وجوب نماز و حرمت ربا در دین اسلام.

البته باید توجه داشت که برخی از این احکام ضروری در نزد مسلمانان است و برخی ممکن است در مذهب شیعه جزء احکام ضروری و بدیهی باشد و برخی نیز از ضروریات فقه باشد. (شیری زنجانی، ۱۳۸۲، ج ۱۳، ص ۱۷) البته هر کدام در ساحت خودش نیازمند استدلال نیست و گرنه ممکن است برای کسی که از این ساحت بیرون است نیازمند استدلال باشد که در این صورت ممکن است روش فقهی یا روش متناسب با آن ساحت لازم نباشد. چه بسا برخی از احکام اولیه و بدیهی در علم کلام یا علوم دیگر اثبات شده باشند و از آنها به عنوان اصول مسلمة و قوانین قطعی در علوم دیگر بهره گیری شود.

ثقل استنباط احکام فقهی بر محور قرآن و سنت است (اردبیلی، بی تا، ص ۴) لذا علم فقه برای اثبات و اعتبار گزاره های فقهی خود هم باید وثاقت متون و نصوص برگرفته از کتاب و سنت را دنبال کند و هم صحت و اعتبار استدلال و استنباط و دلالتهایی که از این نصوص بهره می گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ص ۱۷۴)

بر همین اساس برخی از همین روشهای دستیابی به گزاره های فقهی ممکن است قطعی باشند و برخی غیر قطعی. (همان ص ۱۷۵) البته مراد از غیر قطعی، صرف احتمال یا حتی رجحان نیست بلکه مراد رجحانی است که موجب اطمینان عرفی در مسئله می شود و الا



## مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش \* ۱۴۳

انتساب یک مسئله به شارع بدون پشتوانه علمی به بدعت می انجامد که ممکن است به آرامی به هدم دین بیانجامد.

در فقه برای آیات الهی و روایات متواتره و نیز روایاتی که محفوف به قرینه هستند اعتبار قطعی مطرح می کنند (انصاری، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۲۱۱). برخی دیگر از فقها نیز برای اجماع (عاملی، ۱۳۶۵ ش ف ص ۳۹) و سیره متشرعه نیز قطعیت قائل هستند (صدر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۱۱) البته اگر کاشف از رأی معصوم باشد. همچنین روایاتی که به تواتر یا با قرینه به قطعیت آن علم پیدا نمی کنیم که در مباحث فقهی از آن به عنوان خبر واحد یاد می شود مورد اختلاف است. مشهور فقهای شیعه بر این عقیده هستند خبر واحد اگر راوی آن عادل یا ثقه باشد و هیچ مخالفی از دلالتهای آیات و روایات بر آن نباشد می توان آن را پذیرفت چون فقیه در استنباط احکام شرعی باید به یک حجتی برسد و الا بدون حجت شرعی نمی توان فتوی صادر کرد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ ص ۱۷۶) برخی از محققین استناد داده اند که اگر دست فقیه از ادله شرعی و منابع اولیه کوتاه شد می تواند با مراجعه به مصادر ثانویه یعنی کتب و اقوال و استدلالهای فقهی به یک نظریه شرعی و فتوای فقهی برسد (ضیائی فر، ۱۳۹ ص ۷۲) و حتی به مرحوم بروجردی استناد داده اند که از چنین روشی بهره می گرفته است. (همان ص ۷۴)

در حالیکه هم این استدلال و هم استناد غیرمقبول است. چون همان طور که برخی از عالمان گفته اند استناد یک فقیه باید براساس حجت شرعی باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ ص ۱۷۷) و این حجت شرعی با کتب و اقوال فقهی میسر نمی شود مگر آنکه فقیه با بررسی اقوال و کتب فقها به یک روایتی برسد که آن روایت می تواند حجت شرعی باشد و مرحوم بروجردی این مبنا را تحت عنوان اصول متلفات مطرح کرده بود (مبلغی ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۲۶) به این که در کتب قدما قبل از شیخ طوسی چون دأب فقهی بر این بوده است که فتاوی فقهی خود را به نص همراه می کرده اند اگر این عبارات یکسان بود و همسانی در نقل و اینکه شهادت همین فقها مانند شیخ صدوق در المقنع (صدوق ۱۳۷۳، ص ۵) به این که اسناد را حذف کرده اند می توان ظن قوی به روایت بودن آن نص داد. چون نصوص روایی از حجیت شرعی برخوردار هستند پس اینها می توانند از حجیت برخوردار باشد.

بنابراین روش فقهی گاهی مستند به شیوه های قطعی است که از آیات و روایات متواتر و

یا روایات محفوف به قرینه بهره می برد و یا از شیوه‌ای است که با پشتوانه های علمی قطعیت می یابد که می توان به اجماع و سیره متشرعه و یا خبر واحد و مانند آن اشاره کرد. هرچند احکام فقهی بسیار گسترده است و دامنه آن مسائل اقتصادی و جامعه شناسی و روان شناسی و امثال آن را دربر می گیرد ولی بهره گیری از روشهای دیگر علوم در اثبات احکام فقهی ثابت نشده است. لذا نمی توان با بررسیهای روان شناختی و مانند آن به اثبات حکم فقهی پرداخت هرچند ممکن است مصادیق آن را از علوم دیگر بهره گرفت.

### ۳-۳-۲. روش اخلاق

احکام اخلاقی نیز گاهی بدیهی و ضروری هستند مانند حسن عدل و قبح ظلم که نیازمند استدلال نیستند و برخی دیگر از احکام اخلاقی غیر بدیهی هستند و باید برای شناخت آنها تلاشی علمی انجام داد.

مراد از روش اخلاق، شیوه استنباط احکام اخلاقی و مستندسازی آموزه های اخلاقی است که غیر بدیهی بوده و نیازمند به استدلال و استناد می باشند. ( احمد پور، ۱۳۹۵ ص ۱۱۳).

علوم از حیث روش به دو گروه تک روشی و چندروشی قابل تقسیم هستند علوم تک روشی علمی هستند که حل مسائل آنها و استدلال و استنباط احکام آنها به یک شیوه و غالباً از یک منبع امکان می پذیرد ولی علوم چند روشی علمی هستند که شیوه استحصال و استنباط آنها از منابع متعدد و با شیوه ای متنوع صورت می پذیرد. با توجه به این تقسیم هر چند علم فقه دارای منابع چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل می باشد (قمی ۱۳۸۷، ۳۱۴)

لکن شیوه استحصال و استنباط غالباً به یک روش صورت می پذیرد. چون این منابع به نحوی از یک منشأ حجیت می پذیرند. علم فقه در گسترده‌گی خود که دامنه وسیعی از مسائل و احکام را دربر می گیرد که گفته می شود از گهواره تا گور پاسخگوی مسائل شرعی و فقهی انسانها هست لکن در یک جمع بندی می توان آن را از نوع علوم تک تباری یاد کرد چون حل و فصل مسائل آن فقط در یک دایره فقهی امکان پذیر است که گفته شد نقل استنباط فقهی بر نقل و نصوص است. هرچند برخی از محققین احتمال داده‌اند ممکن است در گذر زمان در آینده روشهای دیگری نیز تحقق یابد (جناتی، ۱۳۸۰، ص ۳۵) ولی این صرف احتمال است و سخنی است که نه تنها همراه ندارد بلکه مقبول نیست.

## مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش \* ۱۴۵

با تتبع در میراث مکتوب علمای اخلاق اسلامی مشخص می شود که علمای اخلاق از یک روش در استنباط و استناد احکام و آموزه های اخلاقی بهره نبرده اند با اینکه منابع آن غالباً با منافع فقه متوازن است، لذا به آسانی می توان گفت علم اخلاق یک علم چند تباری و چند روشی است که البته هرچه آموزه های اخلاقی و استنباط های احکام اخلاقی مستند به آیات و روایات باشد از متانت و صلابت بیشتری برخوردار است.

شهید مرتضی مطهری می گوید: از آنجایی که عالمان اخلاقی از یک روش بهره نبرده اند و یا سعی نکرده اند روش واحدی را دنبال کنند برخی از آنها احکام اخلاق را صرفاً از منبع عقل استخراج کرده اند لذا اخلاق عقلی یا اخلاق فلسفی را بنا نهاده اند. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص ۲۸) در این مکتب سعی فراوان شده که تمامی تحلیلهای اخلاقی را براساس عقل مدلل کنند. و برخی دیگر از علمای اخلاق توجه خاصی به شهود کرده و مکتب اخلاقی عرفانی را بنیان نهاده اند لذا در اثبات و نفی آموزه های اخلاقی از راه دل بهره گرفته اند. (همان ص ۳۰-۲۹) برخی دیگر از عالمان اخلاق نگار بوده اند که سعی فراوان کرده اند آموزه های اخلاقی را از روایات معصومین و سیره آن بزرگواران تبیین کنند که مکتب اخلاقی نقلی را بوجود آورده اند. (همان ص ۳۰)

در انتها باید گفت هرچند فقه و اخلاق در ناحیه استنباط و استناد با یک هدف مشترک انجام می پذیرد و آن شناخت و فهم بایدها و نبایدهای دینی است ولی رویکرد فقهی یک رویکرد منسجم و استوار است و شیوه استدلال و بهره گیری از منابع براساس یک منطق قوی استوار است که غالباً استنباط احکام فقهی براساس نقل و نصوص دینی است ولی در روش اخلاق گاهی از دلیل عقل بهره می برد بدون آنکه به نصوص دینی در این باب توجه کند و یا گاهی در روش اخلاق نقلی به استنباط آموزه های اخلاق دینی می پردازد و هیچ نگاهی به پارامترهای عقل ندارد. البته ممکن است برخی این اشکال را در ناحیه روش فقهی مطرح کنند که طایفه اخباریین در استدلالهای فقهی خود هیچ نگاهی به برخی از منابع مانند عقل یا ظواهر کتاب الله ندارند که در پاسخ باید گفت این روش مقبول فقهی نیست و مشهور فقها از این شیوه بهره نمی برند. (موسوی تهرانی ۱۳۹۵، ص ۲۲۲) مضافاً که برخی از اخباریین معتدل از استدلالهای عقلی و آیات الهی اجتهاد کرده اند.

#### ۴. نتیجه

با بررسی و تحلیل دو دانش گرانقدر فقه و اخلاق در مبانی و منابع و روش به این نتیجه میتوان رسید که هر چند این دو دانش دارای شباهتهای فراوانی نسبت به یکدیگر هستند اما از تفاوتی برخوردارند که لازمه تفکیک علوم از یکدیگر است. در ساحت منابع می توان گفت هر چند فقه و اخلاق در بهره گیری از قرآن، سنت و عقل تقارب دارند لکن در فقه از منبع اجماع بهره میبرند و اجماع را در صورت کشف از سنت معتبر می دانند ولی چنین منبعی در اخلاق مطرح نیست و نیز در اخلاق از شهود بهره میبرند که در آموزه های فقهی چنین منبعی بی اعتبار است. در ساحت روش نیز می توان گفت شیوه استنباط فقهی از قوت و غنای بیشتری برخوردار بوده که لازم است این شیوه تفقه در آموزه های اخلاقی جریان پیدا کرده و مورد توجه عالمان اخلاق نگار واقع شود. مضافاً منبع شهود در مباحث اخلاقی کاملاً منقح نشده است لذا ممکن است با نگاه های ذوقی و استحسانات سلیقه ای به تحلیل و بررسی آموزه های پرداخته شود که این خود نیز امر غیر اخلاقی و ناپذیرفتنی است.

#### ۵. منابع و ماخذ

##### قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۶، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۲. اردبیلی، ملا احمد، بی تا، زبده البیان، مکتبه المرتضویه، تهران
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۱۷، کفایه الاصول، موسسه آل البیت، قم
۴. آملی، سید حیدر، ۱۴۱۵، جامع الاسرار، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
۵. جناتی، ابراهیم، ۱۳۷۳، منابع اجتهاد در مذاهب اسلامی، انتشارات کیهان، قم
۶. جناتی، ابراهیم، ۱۳۸۰، روشهای استنباط، از منظر فقهای اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر، تهران
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، مبادی اخلاق در قرآن، انتشارات اسراء قم
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳، تحریر تمهید القواعد، موسسه اسراء، قم
۹. جوادی آملی، ۱۳۹۲، تفسیر تسنیم، موسسه اسراء، قم

## مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش \*۱۴۷

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، شریعت در آینه معرفت، موسسه رجاء، قم
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، تفسیر تسنیم، موسسه اسراء، قم
۱۲. حکیم، محمد تقی، ۱۴۰۰، اصول العامه للفقہ المقارن، موسسه آل البيت، قم
۱۳. حکیم، سید محسن، ۱۴۰۴، مستمسک العروة الوثقی، مکتب آیت الله مرعشی نجفی، قم
۱۴. خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۹، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران
۱۵. رضائی تهرانی، علی، ۱۳۹۰، مراحل و مبانی سیر و سلوک، موسسه آموزشی امام خمینی، قم
۱۶. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۹، المحصول فی علم الاصول، انتشارات توحید، قم
۱۷. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۸، الموجز فی اصول الفقه، انتشارات توحید، قم
۱۸. صدر، محمد باقر، ۱۴۱۲، بحوث فی علم الاصول، دارالزهراء، بیروت
۱۹. صدر، محمد باقر، ۱۴۱۵، دروس فی الاصول، موسسه نشر اسلامی، قم
۲۰. صدوق، محمد بن علی بابویه، ۱۳۷۳، المقنع، موسسه امام هادی، قم
۲۱. صرامی، سیف اله، ۱۳۹۱، مقایسه روشهای فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم
۲۲. ضیایی فر، سعید، ۱۳۹۳، مکتب شناسی فقهی، انتشارات عروج، تهران
۲۳. عابدی شاهرودی، علی، ۱۳۹۱، جایگاه شناسی علم اصول
۲۴. عاملی، حسن بن زین الدین، ۱۳۶۵، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، موسسه نشر اسلامی، قم
۲۵. علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۱، فقه و عقل، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم
۲۶. غزالی، ابوحامد محمد، ۱۴۱۷، المستصفی من علم الاصول، دار الکتب العلمیه، بیروت
۲۷. قمی، میرزا ابوالقاسم، ۱۳۸۷ ق، قوانین الاصول، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران
۲۸. کرکی، علی ابن الحسین، ۱۴۱۴، جامع المقاصد، انتشارات ال البيت، قم
۲۹. مبلغی، احمد، ۱۳۹۳، موسوعه الاجماع فی فقه الامامیه، قم

۳۰. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۶، اخلاق در قرآن، موسسه آموزشی امام خمینی،

قم

۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، مجموعه آثار ج ۲۳، انتشارات صدرا، تهران

۳۲. مظفر، محمد رضا، ۱۳۷۴، عقاید الامامیه، موسسه نشر اسلامی، قم

۳۳. معرفت، محمد محمد هادی، ۱۴۲۸، التمهید فی علوم القرآن، انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی

۳۴. معلمی، حسن، ۱۳۸۹، فلسفه اخلاق انتشارات هاجر، قم

۳۵. مغنیه، محمد جواد، بی تا، فلسفه اخلاق در اسلام، دارالعلم للملایین، بیروت

۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۲، دائره المعارف فقه مقارن، انتشارات امیرالمومنین، قم

۳۷. موسوی تهرانی، سید رسول، ۱۳۹۵، مجمع الفوائد ف شرح الفرائد، انتشارات طباطبائی، قم

قم

۳۸. موسوی، سید رضا، ۱۳۷۹، مبادی فقه و حقوق، دانشگاه فردوسی، مشهد

۳۹. نراقی، ملا احمد، ۱۴۱۱، معراج السعاده، انتشارات دارالفکر، قم

۴۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۹۲، جزوه مدخل فقه، انتشارات دائره المعارف

فقه اهلبیت، قم



# Nasim Kowsar

## Scientific Quarterly



- Jurisprudential analysis of retribution of infidel types
- Jurisprudence and legal examination of the criterion of intentional murder
- Punishment for starting a crime from the perspective of the relevant laws of Iran and Afghanistan
- Social justice in the thought of martyr Motahari
- Jurisprudential and legal analysis of the nature of verb condition in electronic contracts
- Ignorance and its consequences in the Quran
- Comparison and proportionality of jurisprudence and ethics